

پادگان نیروهای فرانسوی) استفاده شد و باعث کشته شدن ۲۹۹ سرباز آمریکایی و فرانسوی شد، وجود دارد. PETN که در بمب گذاری پادگان تفنگداران دریایی استفاده شد، از همان نوع ماده منفجره‌ای بود که در حمله به سفارت مورد استفاده قرار گرفته بود.

۲۶ سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) آژانس امنیت ملی آمریکا توانست به نوعی پیام الکترونیکی دسترسی پیدا کند که از وزارت اطلاعات^۲ در تهران به «علی اکبر محتشمی‌پور» سفیر این کشور در دمشق فرستاده شده بود. در این پیام، به محتشمی‌پور گفته شده بود تا با «حسین موسوی» رئیس «امل اسلامی» سازمان شبه‌نظامی تازه تأسیس شیعه تماس بگیرد و به وی دستور دهد تا «اقدامی چشم‌گیر [و پر سرو صدا] علیه تفنگداران دریایی آمریکا انجام دهد.» این پیام، مورخ ۲۶ سپتامبر تا دو روز پس از حمله ۲۳ اکتبر هنوز شناسایی نشده بود، اما به نظر می‌رسد سند انکارناپذیر دست داشتن ایران در این عملیات باشد. در یاسالار «جیمز ای لیونز» فرمانده ناوگان آمریکا مستقر در اقیانوس آرام [بعدها این مدرک را «سندی از جنس طلای ۲۴ عیار» توصیف کرد.

سال‌ها بعد، یکی از اعضای سابق حزب‌الله با نام مستعار «محمود» با ارسال یک شهادت ویدیویی به دادگاهی در آمریکا ادعا کرد که محتشمی‌پور سفیر ایران به یکی از افسران سپاه پاسداران به نام «احمد قآنی» دستور داد تا حمله‌ای علیه پادگان تفنگداران دریایی آمریکا ترتیب دهد. قآنی آن زمان در پادگان «شیخ عبدالله» در بعلبک [در دره بقاع لبنان] مستقر بود. وی فرمانده چندصد نیروی سپاه پاسداران در بعلبک بود و تا اواخر ماه ژانویه سال ۱۹۸۴ در آن‌جا خدمت کرد. محمود شهادت داد که قآنی سپس در بعلبک جلسه‌ای با حسین موسوی، شیخ «صیحی طفیلی» و شیخ «حسن نصرالله» (همگی از رهبران اولیه سازمان نوپای «امل اسلامی» که بعدها به «حزب‌الله» معروف شد) برگزار کرد.

بمب گذاری می‌دانند.

بمب گذاری برالعبد سرنوشت گروگان‌های آمریکایی را رقم زد. مغنیه و دوستانش در حزب‌الله پارچه سفیدی را بالای محل بمب‌گذاری آویزان کردند و با حروف سیاه‌رنگ روی آن نوشتند: «ساخت آمریکا». مذاکرات زین [برای آزادی گروگان‌ها] مختومه شد. باکلی تا ماه جولای سال ۱۹۸۵ هم زنده بود، اما همان سال فوت کرد؛ احتمالاً به دلیل دیسانتری [التهاب روده] یا ذات‌الریه. دیگر گروگان‌های آمریکایی نیز تا ماه‌ها یا سال‌ها آزاد نشدند.

مغنیه بیست ساله مطمئناً در بمب‌گذاری سفارت در بیروت نقش داشت، شاید نقشه این عملیات را کشیده بود، اما افراد بسیار دیگری عملیات را اجرا کردند. این عملیات آن‌قدر از نظر فنی پیچیده بود که یک بادیگارد بیست ساله سابق عضو «یگان ۱۷» نمی‌توانست به تنهایی از پس آن برآمده باشد. زین می‌گوید بهار سال ۱۹۸۵ مغنیه به او گفته که در حمله سفارت نقشی نداشته است. ادعا کرده بود به او گفته‌اند که هدف اول بمب‌گذاری، پادگان تفنگداران دریایی آمریکا بوده، اما در آخرین لحظه به راننده خودروی انتحاری دستور داده‌اند تا مسیرش را به سوی سفارت تغییر دهد. مغنیه از دلیل این تصمیم اظهار بی‌اطلاعی کرده و به زین گفته بود: «عملیات [تحت امر] «علی‌رضا» عسکری» بود. «عسکری از فرماندهان سپاه پاسداران ایران بود که سال ۱۹۸۲ مغنیه را استخدام کرده بود. محققان آمریکایی بالاخره متوجه شدند و انتی که به سفارت کوبیده شد، در تگزاس خریداری شده، به دبی انتقال داده شده و سپس از طریق [نامعلوم] به بیروت رسیده است. سپس حدود نهمصد کیلوگرم مواد منفجره در آن جاسازی کرده و یک راننده انتحاری برای راندن آن تا سفارت پیدا کرده‌اند. اما چه کسی بمب را ساخته بود؟ چه کسی بودجه این عملیات را تأمین کرده بود؟ چه کسی وانت و مواد منفجره را خریده بود؟ این سئوالات تا سال‌ها بعد به طور دقیق در هیچ دادگاهی بررسی نشدند.

متأسفانه هیچ اطلاعاتی از طبقه‌بندی خارج‌شده‌ای درباره حمله به سفارت آمریکا در بیروت موجود نیست. با این حال، چنین مدارکی درباره وانت انتحاری‌ای که از آن برای حمله ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ به پادگان تفنگداران دریایی آمریکا و

ساختمان‌های آمریکایی در بیروت ارتباط داده شده بود. باید کشته می‌شد. کیسی و بن سلطان در این باره متفق‌القول بودند.» به گفته وودوارد، کیسی پوزیدنت ریگان را متقاعد کرده بود تا پای یک دستور ریاست‌جمهوری را امضا کند که اجازه این عملیات محرمانه را صادر می‌کرد. به این ترتیب، عواملی در درون لبنان از نیروهای امنیتی حزب فالاتز توسط سی‌آی‌ای آموزش و تأمین مالی شدند. این نیروی ویژه «یگان عمل و تحلیل خارجی» نام گرفت و طراحی شده بود تا علیه افرادی که سال ۱۹۸۳ سفارت و پادگان تفنگداران دریایی آمریکا را منفجر کرده بودند، حملات تلافی‌جویانه انجام دهد؛ اما از آن‌جا به بعد [پس از ترور نافرجم فضل‌الله] همه چیز خراب شد.

هدف یگان عمل و تحلیل خارجی، ترور فضل‌الله بود، اما این تروریست‌های لبنانی اهمیتی نمی‌دادند که چند نفر بی‌گناه در این عملیات کشته می‌شوند. کیسی و بندر بن سلطان قصد کشتن هشتاد نفر را نداشتند. آن‌گونه که وودوارد توصیف می‌کند این عملیات [به شکلی ناخواسته] از مسیر اصلی خود منحرف شد. وودوارد در این باره می‌نویسد: «وقتی بندر اخبار عملیات را شنید، دل‌ضعفه گرفت.»

این نویسنده آمریکایی خبر می‌دهد که سعودی‌ها [پس از خراب شدن عملیات] تلاش کردند بمب‌گذاری را به گردن دیگران بیندازند. وودوارد به نقل از بندر می‌نویسد: «من تو را متهم می‌کنم. تو به من شک می‌کنی و بعد من راننده‌ام را لو می‌دهم و می‌گویم او این کار را کرده است. به این ترتیب، دیگر من را متهم نمی‌دانی.» شاهزاده بندر بعدها هرگونه دخالت سعودی‌ها در این بمب‌گذاری را تکذیب کرد. البته وودوارد هیچ منبعی ارائه نمی‌دهد، اما [بر اساس سابقه‌اش می‌دانیم که] دسترسی عالی به منابعی عالی دارد.

با این حال، مصطفی زین هم معتقد است کیسی دستور این ترور را صادر کرده است. منبعی که زین به آن استناد می‌کند، عماد مغنیه است. زین ادعا می‌کند مغنیه به او گفته است که بعدها دو عامل بمب‌گذاری‌ای را پیدا کرده که به کشته شدن برادر مغنیه منجر شد و آن‌ها اعتراف کرده‌اند که این عملیات کار سی‌آی‌ای بوده است. در این مورد هم مانند توصیفات وودوارد، صرفاً یک منبع شفاهی [به صورت غیررسمی] برای این روایت ارائه شده است. رابرت بائر و دیگر منابع عضو سی‌آی‌ای از روایت وودوارد انتقاد کرده و نیروهای امنیتی لبنان را مقصر

۲. این مطلب نادرست است. وزارت اطلاعات در نیمه سال ۱۳۶۳ تأسیس شد

۱. این مطلب نادرست است. سردار علی رضا عسکری پس از پایان دفاع مقدس در سال ۱۳۶۷ برای مأموریت به لبنان اعزام شد